

● پیرامون دوفرننگ لغات جدیدالانتشار

بلبشوی فرهنگ نویسی

■ حسن هاشمی میناباد



■ فرهنگ علوم مطبوعات و ارتباطات (انگلیسی

- فارسی).

تألیف ع.ع. مهاجری، تهران، انتشارات مژده، ۱۳۶۹، ۹۵۱ ص.

تبادل فرهنگی بین جوامع مختلف ضرورت تدوین و تألیف فرهنگها و واژه نامه‌های مختلفی را پیش می‌آورد. فرهنگها در پاسخ نیاز به برقراری ارتباط بین افراد غیر هم‌زبان نوشته می‌شود. حال هر قدر این فرهنگهای فراهم آمده، علمیت، دقیقتر و کاربردیتر باشد، امر ارتباط به همان قدر ساده تر و رساتر خواهد بود. در دو دهه اخیر هم‌زمان با نیاز فزاینده به ارتباط بین جوامع، تعداد فرهنگهای تخصصی دو زبانه و گاه چند زبانه رو به فزونی نهاده است.

مؤلف فرهنگ، علاوه بر اطلاع و تسلط کافی و وافیه به موضوع - حتی تسلطی در حد تسلط استادی واقعی در آن رشته - باید با اصول و مبانی فرهنگ نگاری و واژگان شناسی نیز آشنایی لازم را داشته باشد؛ در عمل و نظر، ویژگیها و روند تألیف فرهنگ به طور اعم و فرهنگهای دوزبانه به طور اخص را بشناسد؛ از تجربه گذشتگان، از محاسن و معایب کارشان توشه بردارد؛ و همه آنها را در خلق اثری به کار گیرد که طبعاً باید کاملتر و بی نقص تر از فرهنگهای پیشین باشد.

دریغ و صد دریغ که تاریخ معاصر فرهنگ نویسی - بجز فرهنگهای معتبر انگشت شمار - شاهد اثری ارزنده و سترگ و علمی نبوده است. دیگر این که تعداد فرهنگهای بازاری نسبت به فرهنگهایی که مؤلفان

■ در فرهنگهای امروزمین فقط

عبارات، اصطلاحات

و واژه‌های

رایج و مصطلح ارائه می‌شود

و در عوض واژه‌های

متروک و قدیمی به کنار می‌رود و

در فرهنگهای تاریخی

جا می‌گیرد.

آنها هدفی اصیل و علمی را مدنظر دارند بسیار زیاد شده است. اغلب این گونه فرهنگها با فرهنگهای سلف خود اختلاف چندانی ندارند و به لحاظ شکل و محتوا پیشرفت و ابتکاری جدید به شمار نمی‌روند. می‌توان گفت این رشته خطیر دچار بلبشویی است که آینده علمی و فرهنگی جامعه را تهدید می‌کند. به تازگی کتابی انتشار یافته است با عنوان «فرهنگ علوم مطبوعات و ارتباطات» تألیف ع.ع. مهاجری که توصیه نامه «دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران» بر ابتدای آن می‌درخشد (ص پنج). عنوان فارسی و انگلیسی کتاب - A Glossary of Journalism - قابل تأمل است.

علوم «مطبوعات» چگونه علوم است و علوم ارتباطات چه مباحثی را در برمی‌گیرد؟ شمول این علوم تا کجاست؟ آیا واژه Journalism مفهوم ارتباطات را نیز در برمی‌گیرد؟ Glossary در عرف فرهنگ نویسی، و همچنین در عرف عام به معنای مجموعه‌ای از لغات، عبارات و اصطلاحات مشکل یک رشته است که هر مدخلی در آن، توضیح بایسته و شایسته‌ای در بیش از یک سطر داشته باشد. اگر در مقابل هر مدخلی، صرفاً معادلهای آن داده شود، دیگر از حالت Glossary بیرون می‌آید. پرواضح است که در Glossary توصیف و تعریف کوتاه اصطلاحات هم داده می‌شود، نه فقط معادل آنها. این گونه مجموعه واژگان بیشتر در پایان کتابهای تخصصی در بخش ضمیمه آن دیده می‌شود. نمونه مستقل آن به صورت کتاب نیز فراوان است. (M.H. Abrams, A)

مؤلف در مقدمه کتاب ادعا می‌کند که چنین فرهنگی را برای اولین بار در خاورمیانه تهیه و تألیف کرده است. حال آن که بر طبق اطلاع نگارنده چندین فرهنگ مشابه به بازار آمده است؛ از جمله فرهنگ مطبوعاتی (فارسی - عربی - انگلیسی) تألیف دکتر احمد رنجیر و دکتر ابوالقاسم سهیلی؛ فرهنگ اصطلاحات سیاسی و خبری (انگلیسی - فارسی) تألیف محمود چهارمیری و علی اکبر استاجی دارینی؛ ... که البته آنها نیز خود دچار اشکالات نسبتاً فراوان، بی‌روسی، ناآشنایی به شیوه کار، اغلاط فارسی و انگلیسی و امثالهم هستند.

بیکره زبانی و منابع تدوین فرهنگها از اهمیت فراوانی برخوردارند. به طور کلی منابع این فرهنگ بنا به گفته مؤلف عبارت‌اند از:

- گوش دادن به برنامه‌های انگلیسی رادیو بی.بی.سی، رادیو آمریکا و برنامه انگلیسی رادیوسکو. از آنجا که نویسندگان و گویندگان رادیو مسکو، اهل زبان و سخنگوی انگلیسی نیستند، نوشته‌ها و گفته‌هایشان معتبر و خالی از ایراد نخواهد بود و ساخت زبان روسی در تار و پود برنامه‌های این رادیو تأثیر خواهد گذاشت.

- مجلات تایمز و نیویوریک و روزنامه‌های انگلیسی زبان داخلی. استدلال ما در باره برنامه‌های رادیو مسکو درباره روزنامه‌های انگلیسی زبان ایرانی نیز صادق خواهد بود.

- از راه مکاتبه با دانشکده‌های علوم ارتباطات دانشگاه‌های آمریکا، انگلیس [انگلستان]، ترکیه، هند و نیز واحد برون مرزی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و اداره ترجمه وزارت امور خارجه.

- واژه‌نامه‌های انگلیسی و فرهنگنامه‌های موجود در کشور. نخست این که کدام واژه‌نامه‌ها منبع مؤلف بوده و دیگر این که منظور مؤلف از «فرهنگنامه‌ها» چیست و چرا مشخصات کتابشناختی آنها داده نشده است؟

فرازبان (metalanguage) زبان یا مجموعه‌ای از نشانه‌هایی است که برای تحلیل و توصیف زبان دیگری به کار می‌رود. دقیق و نظام‌مند بودن فرازبان فرهنگها یکی از بزرگترین کمکهای مؤلف به آسان‌یابی، آسان‌خوانی و آسان‌فهمی مراجعه‌کننده است. کتاب حاضر از بخشی ویژه‌علایم اختصاری و نشانه‌های به کار رفته در فرهنگ خالی است. معلوم نیست نقطه‌های آخر هر مدخل انگلیسی - که در واقع نیازی بدان نیست - به چه منظوری آورده شده است. علاست [] برای موارد مختلف - به منظور نشان دادن علایم اختصاری Camp David Peace Accord؛ کاربرد واژه‌ها، مثلاً «نظام»، «درچاپ»؛ گونه‌های ملایی [caponie [r]؛ توضیحات اضافی (ذیل، chauvinism) - به کار رفته است. هویت دستوری واحدهای واژگانی معرفی نشده است که این مسأله می‌تواند مشکلات زیادی در تعیین هویت دستوری معادلهای پدید بیاورد. البته این توجیه که مخاطب این فرهنگ از تسلط کافی به زبان انگلیسی برخوردار است، ضرورت ذکر اجزای کلام و هویت دستوری را فنی نمی‌کند. تبار واژه‌ها (آلمانی، فرانسوی، اسپانیایی و...) در موارد زیادی داده نشده است؛

مشتقات آن
embassodar
embargo
برخی از معادلهای ترکیبات نامأنوس، غیرطبیعی، نامفهوم و به اصطلاح غیر فارسی‌اند که به لحاظ معنایی نیز اشکال دارند:
در آراء انتخاباتی بررسی کردن
canvass uotes in an election
چشم‌انداز صوتی
Soundscape
آژانس تبلیغات و آگهی
advertising agent
کارکن
worker
رای را شکستن
vote down
جستجوی شهیدان،
martyrdom-seeking
طلبیدن شهیدان

دوست متین (ص یازده)
تعداد برابرها و معادلهای غلط در این فرهنگ کم نیست. در برابریابی دقت لازم و وسواس علمی به کار گرفته نشده است:
نظام يك مجلس (نظام تك مجلسی)

unicameralism
دولت مجلل (دولت موقت)
caretaker government
روزنامه نویسی مهیج (روزنامه نویسی مبتذل)

yellow journalism
مطبوعات شورانگیز (مطبوعات جنجالی)

yellow papers
آزادی عقیده برداشتن قانون عبور و مرور (لغو مقررات عبور و مرور)
lift the curfew
لغو مقررات عبور و مرور (مدخل ناقص است)

lifting oil
اسطوره (اسطوره شناسی)
mythology
قابل مجازات (قابل اعدام)
hangable
نمونه غلطهای دستوری - چه فارسی و چه

انگلیسی - در فرهنگ علوم مطبوعات و ارتباطات فراوان است. غلطهای املائی را می‌توان به گردن حروفچین و مصحح و نمونه خوان انداخت؛ اما غلطهای دستوری - و کثرت آن - اشتباه غیر قابل توجیهی است که مستقیماً به خود مؤلف مربوط می‌شود. غلطهای دستوری انگلیسی را شاید بتوان تا حدودی با این بهانه توجیه کرد که زبان انگلیسی زبان دوم است و خواه و ناخواه لغزش و خطایی از انواع مختلف به کتاب رخنه می‌کند. اما غلطهای دستوری فارسی را دیگر نمی‌توان توجیه کرد و آن را از فرهنگ نویس و «استاد زورنالیسم دانشگاه» پذیرفت مگر این که اشتباهات و الی آخر از آن او نباشد. برخی از این غلطها عبارت‌اند از:

بحران اقتصادی
deeping economy crisis
روزافزون
(deepening economic crisis)

سیستم پارلمان (پارلمانی، مربوط به مجلس)
cameral
مبادرت کردن به
embark in (on)

ارتش اشغالی
occupied army (occupying army)
(ارتش اشغالگر)

نیروهای اشغالی (نیروهای اشغالگر)
occupied forces (occupying forces)

کشنده، مرگبار
deatly (deadly)

توانایی دفاع (defence capacity)
defend capacity (defence capacity)
(توانایی دفاعی)

مقالات تفسیر و تحلیل مطبوعات (ص ده)
سیک کلی نگارش و انشای کتاب درخور فرهنگی

از جمله
جهان بینی (آلمانی)
Weltanschauung
بام روبرو شدن (این واژه لاتینی اسم، قید و حرف اضافه است نه فعل)
vis-a-vis
جونتا (واژه اسپانیایی و پرتغالی که صحیح آن خونناست):
Junta

لیجاز، اختصار و اقتصاد کلامی از عوامل تعیین‌کننده در امر فرهنگ نویسی به شمار می‌رود. افزون بر این، دادن معادل طولانی برای واژه‌ها و اصطلاحات، اغلب از عدم تسلط مترجم و واژه‌ساز در کار معادل‌سازی و معادل‌یابی حکایت می‌کند. ناگفته نماند که در برخی از موارد، که تعداد آنها زیاد نیست و به مسئله ترجمه ناپذیری و عدم انطباق فرهنگی مربوط می‌شود - چاره‌ای جز این نیست. اما موارد اطناب محل و درازنویسی در این فرهنگ کم نیست:

سیاستمداری که حاضر به سازش نیست: (سیاستمدار سازش ناپذیر)
intransigent politician
عقیده‌ای که در همه جا منتشر شده است:

widespread doctrine
(عقیده رایج و معمول)
خبرگزاری متعلق به امارات متحده عربی
WAM

دسته بندی معانی متفاوت واژه‌ها، معانی متفاوت واژه مدخل را از هم متمایز می‌کند. این تمایزها در فرهنگها با اعداد یا نشانه‌های سجاوندی (،) برای جداکردن معانی مشابه؛ برای متمایز کردن گروههای معانی) یا به هر صورت قراردادی دیگر نشان داده می‌شود. عموماً ترتیب معانی در فرهنگها یا بر حسب بسامدی بیشتر به سوی کاربردهای کم استعمال و نادر است یا بر اساس ترتیب تاریخی تحول واژه‌ها. در این فرهنگ چنین دسته بندی‌ای رعایت نشده است؛ برای نمونه رجوع کنید ذیل مدخلهای
Procrastination, administration, fail

ذکر شواهد و مثالها در فرهنگها به منظور روشنتر کردن مفهوم واژه‌ها و کاربردهای آنها صورت می‌گیرد و طرز استعمال واژه مدخل را نشان می‌دهد. شواهد و مثالهای این فرهنگ اغلب هیچ کمک اضافی‌ای به خواننده نمی‌کند و اکثر آنها زاید و بیهوده است و به مفهوم واقعی روشننگر (illustrative) نیست. علاوه بر این، معیاری برای دادن یا ندادن شاهد و مثال برای واژه‌های خاص وجود ندارد؛ نگاه کنید به شواهد ذیل مدخلهای

abdicate, lavish, need, nuclear, neglect
وقتی فرهنگی برای رشته و فن خاصی نوشته می‌شود، واژه‌های عام و غیر تخصصی به کنار نهاده می‌شود و فقط و فقط واژگان تخصصی و مربوط به آن رشته در فرهنگ گنجانده می‌شود. نمونه‌هایی از واژگان عام و غیر تخصصی این فرهنگ تخصصی:

dead, death, debt, film, fair, for
میز
manner, table, you [?]

در فرهنگهای امروزی فقط عبارات، اصطلاحات و واژه‌های رایج و مصطلح داده می‌شود و واژه‌های، متروک و قدیمی به کنار می‌رود و جای خود را در فرهنگهای تاریخی اشغال می‌کند. نمونه‌های زیر از جمله معادلهای غیرمصطلح و متروک فارسی است:
تعلیمات اکابر (adult equcation [education])
بفاز
euripus

ایلچی، (ایلچی‌گری، مقام ایلچی سفارت،... و نیز

false promise در باغ سبز

worst is still to come هنوز کجایش را دیدی، بدتر از این خواهد شد.

قواعد سجاوندی و شیوه امل و رسم الخط بسیاری از ترکیبهای انگلیسی بر طبق اصول صحیح و رایج انجام نگرفته است. بسیاری از ترکیبها علامت نیم خطی (-) دارند که زاید است؛ از جمله death - sentence, death - rate, poll-tax, war - plane

از غلطهای املايي فراوان انگلیسی و فارسی کتاب که ما را مجال تصحیح آن نیست از عجایب است که Clandestine چگونه Dandestine شده و سر از بخش D در آورده؛ و retaliat به Vetaliat تبدیل شده و زیر حرف V آمده است.

اشارات فوق فقط بخشی از اشکالات عدیده کتاب بود که به آن پرداختیم - کتابی که «در هر گام لغزشی و در هر خطوه خطایی» دارد. جسا دارد که فرهنگ و فرهنگ نویسی در ایران شناسانده شود تا از این رهگذر تلاش علاقه‌مندان بی‌شمر نماید و حاصل کارشان قابل عرضه به دنیای علم باشد. آشنایی به رشته خاصی نمی‌تواند تنها شرط تدوین فرهنگ باشد. علم به موضوع کار و آشنایی با اصول و مبانی فرهنگ نویسی و بلاخص فرهنگ نویسی دوزبانه و توانایی کاربرد آن در عمل، لازمه تدوین هر فرهنگی است.

□□□

نگاهی به

«فرهنگ اصطلاحات سیاسی و خبری» □ فرهنگ اصطلاحات سیاسی و خبری (انگلیسی-فارسی)

تألیف محمود چهارمیری و علی اکبر استاجی دارینی تهران، ناشر (مؤلفان)، چاپ اول ۱۳۶۸، ۱۷۲ ص.

جو سیاسی و اجتماعی بعد از انقلاب موقعیتی را پیش آورد که سر و کار مردم با نشریات، مطبوعات خبری و سیاسی و مسائلی از این دست بیشتر شد. چنین موقعیتی ضرورت تألیف فرهنگهای سیاسی را از انواع گوناگون آن ایجاب می‌کند. با مقایسه تعداد فرهنگهای سیاسی قبل و بعد از انقلاب می‌توان رواج این گونه فعالیتها را دریافت. اما افسوس و صد افسوس که بیشتر آنها جنبه تجاری دارند، افزون بر این که هیچ کدام از آنها از پشتوانه علمی و تجربی لازم از دیدگاه فرهنگ نگاری برخوردار نیست.

«فرهنگ اصطلاحات سیاسی و خبری» در ۱۷۲ صفحه که در واقع فیشهای دوره تحصیل دانشجویان علاقمند - اما ناگاه از زیر و بم کار فرهنگ نویسی و نیز نا آشنا به موضوع - است که به کسوت «فرهنگ» در آمده است. با نگاهی گذرا به کتاب حاضر، اشکالات فراوانی را می‌توان مشاهده کرد.

برابرهایی غلط

برخی از برابرهایی فارسی غلط است که در این میان اصطلاحات بسیار رایج نیز به چشم می‌خورد: طرح بازسازی (در شوروی) | بازسازی

اقتصادی [Prestroika militia نیروی نظامی بومی (که جزو ارتش نیستند)]

و مقالات تفسیر و تحلیل مطبوعات موظفند با واژه‌های پر بار... (ص ده)

اتاقی یا محلی که در آن سخنرانی یا کنفرانس می‌دهند Speech house

[A] Country in which there is lavish consumption and no production.

«کشوری که در آن مصرف زیاد ولی تولید نیست.» این جمله دارای دو جمله زیرساختی متساوت است: (۱) کشوری که در آن مصرف زیاد نیست؛ (۲) کشوری که در آن تولید نیست.

در تدوین فرهنگها تمایز سبکی، معادل سبکی و به طور کلی هر آنچه مربوط به سبک می‌شود حائز اهمیت فراوانی است. در موارد زیادی مسائل سبکی در برابری رعایت نشده است؛ از جمله:

آهای روزنامه‌ای newsy

پیراهن عثمان make capital or faked evidence of کردن

(علاوه بر رعایت نکردن ملاحظات سبکی به مسئله انطباق فرهنگی نیز توجه نشده است)

مجلس بالاتر Upper House

■ ایجاز، اختصار و

به اصطلاح

«اقتصاد کلامی» از

عوامل تعیین کننده

در امر فرهنگ نویسی

به شمار می‌رود.

افزون بر این، آوردن

معادل طولانی برای واژه‌ها

و اصطلاحات، اغلب از عدم تسلط

مترجم و واژه‌ساز در کار معادل سازی

و معادل یابی حکایت می‌کند.

نیست که ادعای مرجع، راهگشا و راهنما بودن «برای... دانش پژوهان، دانشجویان، مترجمان و تمام کسانی که به نحوی با ژورنالیسم اعم از رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجله سروکار دارند» (ص هفت) را دارد. چند مورد را به عنوان نمونه ذکر می‌کنیم:

P. M. colled for cabinet corruption.

نخست وزیر درخواست کرد بازرسی در مورد فساد دولت انجام بگیرد. (ذیل call for, ضمنا صورت صحیح املايي فعل جمله شاهد called است.)

ملت بهود مرکب از بهودیان سراسر جهان است و محتوای صهیونیسم ناسیونالیسم افراطی است. صهیونیسم ایدئولوژی رسمی دولت اسرائیل است. (ذیل zionism.)

The United States is concentrating on its domestic crisis.

ایالات متحده توجه خود را بر روی بحران داخلی گذاشته. (ذیل domestic crisis, توجه خود را بر روی چیزی گذاشتن) ترکیب فعلی مانوس و رایج فارسی نیست.)

■ دریغ که

تاریخ معاصر

فرهنگ نویسی - بجز

فرهنگهای معتبر

انگشت شمار - شاهد

اثری ارزنده و علمی

نبوده است و تعداد فرهنگهای

به اصطلاح بازاری نسبت

به فرهنگهایی که مؤلفان آنها هدفی

اصیل و علمی را مدنظر دارند،

بسیار زیاد شده است.



سیاست درهای باز شوروی
glossnost [فضای باز سیاسی]

اختراع کردن، جعل کردن
manufacture [دو معنی اول مندرج در فرهنگ: «ساختن و تولید کردن» درست است در ضمن، این واژه اصطلاح نیست و نباید در فرهنگ سیاسی بیاید.]

اداره آگاهی [اداره آگاهی فدرال (آمریکا)] FBI

برابری نامصطلح
تعدادی از برابرها یا آنچه در اصطلاحات خبری و سیاسی مصطلح است منافات دارد؛ نوبتی، روزنامه یا مجله‌ای که در مواقع معین منتشر می‌شود [تشریح ادواری] Periodical
مخالف سلاحهای هسته‌ای antinuclear activist
[activist کسی است که در راه معتقدات و آرمانهایش عملاً فعالیت می‌کند.]

اصطلاحات سیاسی
political expressions [political terms]

این اشتباهی است که مولفان در نامگذاری عنوان انگلیسی کتابشان مرتکب شده‌اند.

abolition of all nuclear weapons

حذف تمام سلاحهای هسته‌ای [بر چیدن سلاحهای هسته‌ای، واژه all نمی‌بایست در این شناسه داخل می‌شد]

غلطهای فارسی
از آنجایی که در فرهنگها باید اصل را بر صحت عناصر زبانی گذاشت، برخی از برابریهای مولفان غیر فصیح یا غلط است مانند:

زیر سوال بردن [تردید کردن در چیزی] question
کاندید [کاندید به مفهوم ابله و ساده لوح است.] nominee

اشتباهات دستوری.

فرهنگ بدین کوچکی خالی از اشکالات دستوری فارسی و انگلیسی نیست:

اعتصاب غذا [hungry strike] *
روابط حسنه [healthy relation] *
* در زبانشناسی نشان دهنده غیر دستوری یا به بیان دیگر، غلط بودن عنصر زبانی است.)

واژگان بی ربط
تعداد زیادی واژگان بی ربط و غیرتخصصی در این فرهنگ آمده است که در صورت حذف آنها حجم کتاب بسیار کمتر از این می‌بود؛ مانند، yonder weep, way, back water

ترکیبات نامأنوسی
ترکیبات نامأنوسی مانند اخراج بلد کردن (ذیل banish) و با باراشوت [چتر] از هواپیما پریدن (ذیل bail out) نیز در این فرهنگ به چشم می‌خورد.

صرف نظر از مواردی که به خاطر صرفه جویی در وقت، کاغذ و... از پرداختن به آنها خودداری کردیم، موارد زیر را درباره این کتاب باید متذکر شد.

این فرهنگ هیچ گونه راهنمای مطالعه و شیوه کاربرد ندارد. علائم اختصاری (مانند نظ، Sb) در متن فرهنگ آمده، ولی جایی توضیحی در مورد آنها داده

نشده است. صفحه آرای کتاب ناموزون است و در موارد زیادی سطر فارسی شکسته شده و زیر یا روی حروف انگلیسی قرار گرفته است. حروف کتاب از نوعی است که «بغ» و «بغ» را به سادگی نمی‌توان از هم متمایز کرد. اکسان واژه‌های فرانسوی، مثلاً attaché، در جلوان قرار گرفته است. کتاب فاقد ارجاعات لازم واژه‌ها به یکدیگر است و...

حجم اندک «فرهنگ اصطلاحات سیاسی و خبری» و ابتدایی بودن آن باعث شد که در مقاله حاضر به طریق اختصار تنها موارد قلیلی از اشکالات آن را برشماریم. فرهنگ نویسی کاری است جدی و کارستان. اقدام به هرکاری بی‌بستوانه علمی و عملی لازم، ناشایست است و اقدام به فرهنگ نویسی ناشایست تر و نابخشودنی تر. باشد که نامجویان یا پژوهشگران ما لحظه‌ای هم به مسئولیت در قبال جامعه علمی و سرمایه‌های مادی و معنوی ببیندیشند و بی‌رهوشه علمی قدم به عرصه سیرغ طلب فرهنگ نویسی نگذارند.

فرهنگ اندیشه نو، گامی نو

□ فرهنگ اندیشه نو

ویراستار: پاشایی، ترجمه گروه مترجمان، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۶۹، ۱۰۳۴ ص.

ببند نایبند ما ایرانیان چنین است که اغلب کارها و فعالیتها را به طور انفرادی، یک تنه، و بدون یاری عملی یا فکری دیگران انجام می‌دهیم. همه دوست دارند تنها خود یک تاز میدان باشند ولاغیر. سنت مرضیه کار جمعی و اقدام مشترک در بین ما مرسوم نیست. فعالیتهای علمی و فرهنگی، از جمله فرهنگ نگاری ما نیز از این اصل بیرون نیست. با نگاهی گذرا به روی جلد فرهنگهای تک‌زبان و دوزبان فارسی به راحتی می‌توان بدین نتیجه رسید که اکثر آنها حاصل کوشش یک «فرد» بوده است. در معدود فرهنگهایی هم که به دست هیئتی نوشته شده‌اند، اغلب یک نفر «حاکم» بوده است.

انگیزه‌ای که نگارنده را بر آن داشت تا این مسأله را مطرح کنیم، انتشار «فرهنگ اندیشه نو» به همت هیأتی از مترجمان (متشکل از سی و سه نفر) است که امید است سرآغاز فعالیتهای گروهی فرهنگ نگاری باشد.

شایان تذکر است که آکادمی کروسکا در سال ۱۶۱۲ اولین فرهنگی را که توسط هیأتی از مؤلفان تدوین شده بود، انتشار داد. علی‌رغم سنت دیرین فرهنگ نگاری در ایران، هنوز هم کارهای گروهی فرهنگ نگاری در ایران بسیار نادر است. بگذریم از این که تعدادی از فرهنگهای در دست انتشار به علت گروهی بودن کار با اشکال مواجه‌اند. نگارنده به خاطر جمعی بودن کار ترجمه «فرهنگ اندیشه نو» آن را گامی نو در این زمینه می‌خواند.

«فرهنگ اندیشه نو» به ویراستاری ع. پاشایی و کار شایان تحسین سی و سه مترجم صاحب نام، در واقع، دایرة المعارف علوم و معارف جدید است با هزاران مدخل «که» ۴۰۰۰ تای آن اصلی و در زمینه‌های گوناگون است، ۲۰۰۰ تای آن نام‌های اشخاص (اعلام)، و مابقی مدخلهای کوچک ارجاعی... کتاب چون به «اندیشه نو»، یعنی معاصر، می‌پردازد مدخل‌هایی را به دست داده است که نو و

امروزین باشد. از این رو نام گذشتگان را در آن نمی‌یابید.

واژه «فرهنگ» اصطلاح عامی است که شامل انواع کتابهای مرجع می‌شود. فرهنگهای فراوانی وجود دارد که نمی‌توان بدقت تعیین کرد که کدام يك از آنها را باید واقعا فرهنگ نامید. خط و مرز دقیق و قاطعی بین فرهنگ و دایرة المعارف وجود دارد. اما ناگفته نماند که «فرهنگهای دایرة المعارفی» فراوان‌اند. صاحب نظران عموماً بر این نکته اتفاق نظر دارند که فرهنگ توصیف واژه‌ها را به دست می‌دهد و دایرة المعارف به توصیف اشیا و موضوعات می‌پردازد. برخی از کتابها هم - مانند «فرهنگ اندیشه نو» فرهنگ خوانده می‌شوند، گرچه اختصاصاً به توصیف واژه‌ها نمی‌پردازند. آیا کتاب حاضر را باید فرهنگ Dictionary خواند یا دایرة المعارف اندیشه معاصر؟ این مسئله نکته‌ای است که باید مؤلفان انگلیسی کتاب جوابگوی آن باشند.

فرهنگ اندیشه نو مشتمل است بر فهرست مترجمان، همکاران ویراستار، اختصارات و نشانه‌ها، پیشگفتار، دیباچه (شیوه استفاده از کتاب، مسائلی ویرایش، و رسم الخط)، متن فرهنگ، افزوده‌ها (شیوه فارسی نویسی نام‌های خارجی، فهرست نام‌های کوچک، فهرست نام‌های خانوادگی، و واژه‌نامه). واحدهای پیشین و پیوستهای این فرهنگ همانند هر فرهنگ خوب و معتبری، در واقع افزوده‌های سودمندی با فواید کثیر هستند که در امر استفاده صحیح از کتاب بسیار کار سازند.

نکته‌ای که در تألیف فرهنگها باید مورد توجه قرار گیرد این است که تنها واژگان و اصطلاحات معمول، رایج و مستعمل باید در فرهنگ وارد شود. (در این بحث کوتاه به واژه‌های مهجور و قدیمی که خاص فرهنگهای تاریخی است اشاره نمی‌کنیم.) اصطلاحاتی که بر ساخته یک یا چند نفر هستند و هنوز وارد زبان عام و زبان تخصصی نشده، به تقد اهل زبان گذاشته نشده، و رواج عام نیافته‌اند، در فرهنگها وارد نمی‌شوند. در فرهنگ حاضر به «پیشنهاد ویراستار»، «خسروانی» در مقابل Sophisticated، و «نخبگانی» و «فرهنگتانی» در مقابل elitist و تعدادی معادل دیگر از این دست آورده شده است. (ص ۲۷ دیباچه).

واژه نامه اروپایی - فارسی کتاب حاضر - بیش از ۱۰۰ صفحه قطع وزیری، دوستونی با حروف ریز - در حقیقت خود فرهنگی مستقل است. اما ترتیب صفحه‌آرایی آن و نیز فهرست نامهای کوچک و نامهای خانوادگی به شیوه فارسی است که این مسئله باعث دیربایی مدخلها، سردرگمی مراجعه کننده و تلف شدن وقت او می‌شود. کمال مطلوب این بود که این واژه نامه به صورت «واژه نامه فارسی - اروپایی» نیز فهرست می‌شد.

ظاهر فرهنگ اندیشه نو به لحاظ چاپ و صحافی و مسائلی از این دست مطلوب است. غلطهای املائی، با توجه به حجم فرهنگ، «نادر و در حکم معدوم» است. باید به همت و پشتکار ویراستاران، مترجمان فرهنگ اندیشه نو تحسین گفت. امید که کارهایی این چنین، مشوق فعالیتهای اصیل فرهنگ نگاری گروهی باشند.